



مجموعه کم نظیر فارسی در زمینه علوم

علی صفری آق قلعہ

مجموعه ۱۴۱۸ کتابخانه دانشگاه استانبول از مجموعه‌های کم نظیر در زمینه علوم به زبان فارسی است. از این مجموعه سال‌ها پیش به همت و تدبیر زنده‌یاد مجتبی مینوی فیلمی برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تهیه شد که اکنون به شماره ۲۵۴ در آن مجموعه نگهداری می‌شود.

این مجموعه نمونه‌ای شاخص از نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی دوره تیموریان است که در آرایش آن نهایت هنر و زیبایی به کار رفته است؛ اما جدای از زیبایی ظاهری نسخه، شش اثر مهم با موضوعاتی در زمینه علوم اسلامی در آن جای گرفته که هر کدام از آنها می‌تواند به تنهایی یک نسخه ارزشمند محسوب شود.

نکته قابل توجه اینجاست که این شش اثر تنها در ۲۴۵ برگ کتابت شده است. آثار موجود در این مجموعه در متن و حاشیه نسخه کتابت شده و مشخصات آنها به قرار ذیل است: ۱. روضة‌المنجمین (در متن، از ۲پ تا ۱۰۸پ)؛ ۲. احکام‌الاعوام (در حاشیه، از ۲پ تا ۹۲ر)؛ ۳. زیج ایلخانی (در متن، از ۱۰۹پ تا ۲۴۵پ)؛ ۴. برهان‌الکفایه (در حاشیه، از ۱۰۹پ تا ۲۰۳پ)؛ ۵. فی علم البیطره در یک صفحه (در حاشیه، ۲۰۳ر)؛ ۶. کتاب بازنامه [رومیان] (در حاشیه، از ۲۰۳پ تا ۲۱۰پ).

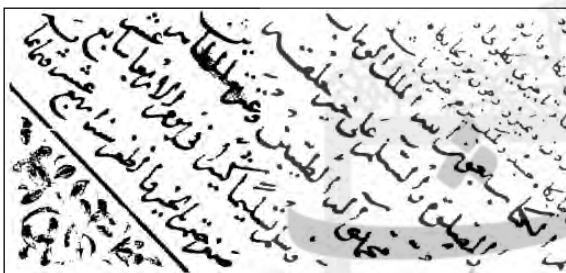
پیش از این، زنده‌یاد محمدتقی دانش‌پژوه این نسخه را در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱، ص ۴۴۴) مورد بررسی قرار داده و پنج اثر از شش اثر مجموعه را (غیر از بازنامه) شناسایی و معرفی کرده‌اند. پس از آن نیز دکتر توفیق سبحانی و

حسام‌الدین آق‌سو در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول (ص ۶۱۷) چهار اثر مجموعه را شناسایی و معرفی کردند.

انجامه نسخه در ۱۰۸پ ناخوانا و مخدوش است اما انجامه‌ای که در پایان متن بازنامه (۲۱۰پ) نوشته شده، کاملاً خوانا است و چنین خوانده می‌شود:

«تمّ الكتاب بعون الله الملك الوهاب و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد آله الطیبین و عترته الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً فی یوم الاربعاء سابع عشر صفر ختم بالخیر و الظفر سنة اربع عشر و ثمانمائه»

عنوان چهار اثر از شش اثر فوق (یعنی روضة‌المنجمین، احکام‌الاعوام، زیج ایلخانی و برهان‌الکفایه) برای ما شناخته شده است و از دو اثر ناشناخته، یکی همان رساله یک صفحه‌ای بیطره است که احتمالاً از یک اثر بزرگ‌تر برداشته شده است. اما در مورد بازنامه لازم دیدیم که توضیحاتی را بیفزاییم.



عنوان اثر در سرلوحه نسخه و خود متن «کتاب بازنامه» است اما عبارات آغازین متن می‌تواند عنوانی دقیق‌تر را در اختیار ما بگذارد: «اما بعد: این کتاب بازنامه، حکماء اهل روم کرده‌اند اندر وصف بازها و صف لونها و دردها و داروها. و چون تمام کردند، با هدیه‌های دیگر پیش کسری بن قباد [فرستادند]...»

می‌دانیم که عناوین تعدادی از بازنامه‌های کهن به همراه شهرها و اقلیم متناسب بدانها خوانده شده است. برای نمونه بازنامه رومیان، بازنامه ترکان و غیره. چنانکه در عبارت آغازین این نسخه مشاهده می‌کنیم، این اثر به رومیان منسوب شده است. با این مقدمه، نمی‌دانم که آیا می‌توان متن حاضر را «بازنامه رومیان» نامید یا خیر در این صورت آیا این نوشته همان متنی نیست که ابوالحسن علی بن احمد نسوی (۳۹۳-۴۹۳ق) در کتاب بازنامه خویش از آن یاد کرده است؟ (نک: «فهرست کتاب‌های صید و شکار» در آن کتاب، ص ۲۰۵).

کشف یک نسخه خطی منحصر به نام

مختصر اشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت

محمود فاضل یزدی مطلق

شیخ ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت^۱ از اکابر قدمای علما و متکلمین امامیه در نیمه اول سده چهارم^۲ هجری، معاصر ابوبکر محمد بن زکریای رازی (م: ۳۲۰ق)، ابوالحسین محمد بن علی بصری معتزلی (م: ۴۳۶ق) و علم الهدی سید مرتضی (م: ۴۳۶ق)، که این دو متکلم بزرگ، برخی آراء این نوبخت را قبول و بعضی را رد کرده‌اند.

از جمله آثار ابن نوبخت در زمینه کلام یکی کتاب الانتهاج^۳ است و دیگری کتاب الیاقوت یا فص الیاقوت^۴ که در اصول علم کلام است و از مشهورترین و قدیمی‌ترین کتاب‌های کلامی شیعی می‌باشد که در دست است.

این کتاب، متنی است در نهایت ایجاز و اختصار و در عین حال، جامع و مفید، که بعدها، متکلمین امامیه کتاب‌های مبسوط و مفصل کلامی خود را بر این سبک و سیاق، تألیف کرده‌اند.^۵

علامه حلی (م: ۷۲۶ق) درباره کتاب یاقوت، می‌گوید: «وقد صنف شیخنا الاقدم، و امامنا الاعظم، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت — قدس الله روحه الزکیه و نفسه العلیه — مختصراً سماه — الیاقوت — قد احتوی من المسائل علی اشرفها و اعلاها، و من المباحث علی أجلها و اسناها، الا انه صغیر الحجم، کثیر العلم، مستصعب علی الفهم، فی غایه الایجاز و الاختصار بحيث یغجز عن تفهمه اکثر النظار...»

۱. انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تألیف علامه حلی، حسن بن یوسف، (م: ۷۲۶ق)، انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ش ۲.

۲. تحقیق در خصوص عصر مؤلف به کتاب‌های زیر رجوع گردد: - خاندان نوبختی، تألیف عباس اقبال آشتیانی، تهران، طهوری، ۱۳۴۵ ش، ۱۶۸ به بعد.

۳. الیاقوت فی علم الکلام، مقدمه علی اکبر ضیائی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۳ق، ۱۵ به بعد.

۴. انوار الملکوت، مقدمه محمدنجفی زنجانی، رضی، ۱۳۶۳ ش، «ز» به بعد و دیگر منابع. ۳. الیاقوت: ۴۴.

۴. مرآة الکتب. تألیف ثقه الاسلام تبریزی، علی بن موسی. قم، مرعشی، ۱۴۱۴ق، ۱۶۰-۱۶۱.

۵. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکفیه او اللقب. تألیف میرزا محمدعلی مدرس تبریز، شفق: ۲۴۶-۲۴۷/۶.

عجالتاً داوری در این زمینه دشوار است چرا که نسوی در چند مورد معدود و آن هم اشاره‌وار از بازنامه رومیان یاد کرده است. درستی یا نادرستی این احتمال نیاز به بررسی بیشتر و مقابله با بازنامه‌های دیگر دارد (مقابله‌های ما به نتیجه قطعی نرسید). اما آنچه مسلم است اینکه تاریخ نگارش این اثر مربوط به زمانی پیش از ۸۱۴ هجری (= تاریخ پایان کتابت نسخه) خواهد بود. اما چقدر پیش‌تر؟ به گمان نویسنده این سطور، این زمان می‌تواند حداقل دو سده پیش از تاریخ فوق‌الذکر باشد و قرائن متنی نیز این حدس را تا حدودی تأیید می‌کند. ما پس از این به ذکر یکی از عبارات متن خواهیم پرداخت اما پیش از آن یادآور می‌شویم که گویا نسخه‌ای که این اثر از روی آن استنساخ شده، دارای مشکلاتی بوده است چرا که رشته کلام در میانه متن به یکبارگی گسیخته می‌شود؛ گویی صفحات نسخه منقول عنها افتادگی یا جابجایی داشته است.

اما عبارتی از این متن:

«فصل: و دیگر گفته‌اند که چون باز را شپشه درافتد و خواهند که بگیرند، باید که پاره پنبه زده سفید بگیرند و به گردن باز در بندند و پس باز را بر دست گیرند و کلوخی دو سه بیارند و به آتش گرم کنند سخت؛ پس دردی خمر قدری بران کلوخ‌ها ریزند و باز را به نزدیک آن کلوخ‌ها برند تا آن بخار کلوخ... [افتادگی در نسخه] و گفته‌اند که چون باز را به کریز بری و خواهی که به مدت سه روز همه پرها و بال‌ها بیفکند و دراز نکشد بی‌زیانی که باز را رسد و فربه گردد سخت، باید که دشبه میشینه بگیری از دشبدهایی که در حلقوم باشد — آن جایگاه که گوسفند را بکشند — سه روز باز را بدان دشبدها سیر می‌کن و هیچ چیز ندهی او را درین سه روز مگر همین دشبدها؛ پرها و بالها بیندازد و فربه گردد.»

شاید کمتر مجموعه‌ای را بتوان یافت که در این شمار اندک از صفحات، این تعداد از متون ارزشمند فارسی را در خود جای داده باشد. از سویی با توجه به اینکه هیچکدام از آثار موجود در این مجموعه — غیر از روضة المنجمین — تاکنون به چاپ نرسیده است و گمان نمی‌رود که برخی از آنها به این زودی‌ها به چاپ برسد، می‌توان گفت که این نسخه گزینه‌ای بسیار مطلوب برای چاپ عکسی محسوب شود.



استبعاد فی ذلك منك و انت من نسل شجرة النبوة، و فقك
الله لكل خير و دفع عنك كل ضرير بمئة و كرمه.»^۷

همچنین شهید اول، شمس‌الدین محمد بن مکی شامی
عاملی مقتول به سال ۷۸۶ق با آن همه عظمت و جلالت
علمی که داشته است، نیز سید عمیدی را بسیار ستوده
و در اجزاهای که به ابن نجده داده است،^۸ چنین آمده:
«فانی رویتها عن عدة من اصحابنا، منهم المولى السيد الامام
المرتضى علم الهدى، شیخ أهل البيت فی زمانه، عمیدالحق
والدین، ابو عبدالله عبدالمطلب ابن الاعرج الحسینی طاب ثراه
و جعل الله الجنة مثواه...»^۹

مرحوم شهید اول از طریق همین سید عمیدی از
علامه حلی روایت می‌کند.^{۱۰} پدر و جد و برادر سید
عمیدی همه از اکابر فقها و مشایخ شهید اول بوده‌اند.^{۱۱}
این سید بزرگوار آثار برجسته و تألیفات مهمی داشته
که بیشتر آنها، شروح و تعلیقاتی هستند بر برخی از
کتاب‌های دائی خود، علامه حلی که از آن جمله‌اند:

الف. ادعیه. صاحب ذریعه نسخه‌ای از این کتاب را در
کتابخانه نور عثمانیه به نقل از فهرست آن نشان
داده است.^{۱۲}

ب. تبصرة الطالبین فی شرح نهج‌المسترشدين. این کتاب،
گزارشی است از سید عمیدی بر کتاب نهج‌المسترشدين

۱. أمل الآمل. تألیف شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، بغداد، مکتبه
الاندلس، ۱۳۸۵ق، ۸۳/۲.

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة. تألیف شیخ آقابزرگ تهرانی، اسلامیه،
۱۳۵۷ش، ۳۷۱/۲۵.

۳. انوارالملکوت: ۲.

۴. فهرست کتاب‌های چاپی عربی، تألیف خانابا مشار،
تهران، ۱۳۴۴ش، ۱۰۱.

۵. الذریعة: ۱۱۵/۱۳.

۶. أمل الآمل: ۸۳/۲.

۷. در نسخه چاپ ۱۳۸۱ ش، تهران، نشر میراث مکتوب.

۸. اعیان‌الشیعة، تألیف سید محسن امین، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۳ق،
۱۰۰/۸. اصل این تقریظ در آخر رساله مناسخات به خط مصنف آمده.

۹. نسخه اصل این اجازه که از نفایس روزگار است، به خط شهید اول، در
کتابخانه مدرسه علمیه عالی نواب مشهد به ش/۱۹۷ موجود می‌باشد.

۱۰. روضات‌الجنات فی احوال‌العلماء والسادات، تألیف میرزا محمدباقر
خوانساری، تهران، اسماعیلیه، ۱۳۹۰ ق، ۲۶۴/۴.

۱۱. ریحانة‌الادب، ۲۱۱/۴.

۱۲. روضات‌الجنات، ۲۶۵/۴ و ۲۶۶.

۱۳. الذریعة، ۳۹۰/۱.

این کتاب با همه ایجاز و اختصارش، دارای محتوایی
پرازش و مباحثی نفیس و کثیرالعلم است، به گونه‌ای
که فهم و درک مطالب آن دشوار می‌باشد. (این کتاب در
سال ۱۴۱۳ق در قم چاپ شده است).

کتاب الیاقوت از همان آغاز مورد توجه و استفاده
اجله علماء و متکلمین قرار گرفت، لذا عده‌ای از بزرگان
به شرح و توضیح مطالب آن پرداختند، که ذیلاً به آن‌ها
اشاره می‌شود:

۱. **شرح الیاقوت**، از عزالدین ابی حامد، عبدالحمید بن
هبة‌الله مدائنی^۱، معروف به «ابن ابی‌الحدید» (م: ۶۵۶ق).^۲
قدیمی‌ترین شرحی که از کتاب یاقوت می‌شناسیم،
همین گزارش است، ولی متأسفانه تاکنون از نسخه خطی
آن اطلاعی در دست نیست.

۲. **انوارالملکوت فی شرح الیاقوت**، دومین شرحی
که بر کتاب الیاقوت نگاشته شده است، همین شرح است
که از «علامه حلی، حسن بن یوسف» (م: ۷۲۶ق) می‌باشد
که آن را در سال ۶۸۴ق ساخته است. شرحی است مزجی
که علاوه بر گزارش متن، و حل معضلات آن، در موارد،
رأی مؤلف متن کتاب را نپذیرفته و عقیده خویش را بیان
داشته است، در عین حال نظم و ترتیب کتاب یاقوت را
حفظ کرده است.^۳

(کتاب انوارالملکوت فی شرح الیاقوت در سال
۱۳۳۸ش توسط دانشگاه تهران چاپ شده است).^۴

۳. **شرح انوارالملکوت فی شرح الیاقوت**^۵ = فی شرح
فص الیاقوت^{۱۱} = اشراق‌اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت^{۱۲} =
شرح الشرح یاقوت.

تألیف سید عمیدی، عمیدالدین عبدالمطلب بن
مجدالدین ابی‌الفوارس، محمد بن ابی‌الحسن علی بن
اعرج حسینی حلی (م: ۷۵۴ق) در بغداد، که از اکابر ثقات
مشایخ روایت و خواهرزاده و شاگرد برجسته علامه حلی
بوده، از تقریظی که بر رساله مناسخات‌المیراث تألیف
سید عمیدی نوشته است، جلالت قدر و عظمت شأن و
مقام علمی او به خوبی پیداست، که با این عبارت شروع
می‌شود: «احسنت ایها الولد العزیز العبد النسیب، المعظم الفیقه
المدقق، عمید‌الملمة والدین جعلت فداک فیما او دعته فی
هذه الاوراق الدالة علی التميز عن الاقران والتبریز علی اکثر
اشخاص نوع الانسان، فلقد اتیت فیها بالمعانی اللطیفة
والمسائل الشریفة، احسن الله الیک و افاض نعمه علیک و لا

فی اصول‌الدین، تألیف علامه حلی، شامل مبادی قواعد کلامی و رئوس مطالب اصول عقاید.^۱

متن کتاب نهج‌المستردین، در ضمن سلسله مجمع الذخایر الاسلامیه، در قم، بدون تاریخ چاپ شده است.

ج. حواشی شرایع. صاحب ذریعه، نسخه اصل این حواشی را که به خط محشی یعنی سید عمیدی نگاشته شده بود بر هامش کتاب شایع که در آن اجازه مورخ ۶۷۵ق به خط صاحب شرایع، محقق حلی نبشته گردیده در کتابخانه مجدالدین دیده است.^۲

د. شرح انوارالملکوت، به زودی از این نسخه بحث خواهیم کرد. انشاءالله.

ه. شرح تهذیب‌الوصول = ...الاصول = ...طریق الوصول الی علم‌الاصول. در اصول فقه گزارشی است از سید عمیدی بر کتاب تهذیب‌الوصول الی علم‌الاصول = تهذیب طریق الوصول = تهذیب‌الاصول = تهذیب الوصول تألیف علامه حلی که این شرح را در زمان حیات دانی خود، علامه حلی نگاشته است.^۳

و. فرائض عمیدیه. رساله کوتاهی است که ضمن مجموعه کلمات‌المحققین چاپ شده است و نیز یک بار هم با درالفرائد به طبع رسیده است.^۴

ز. کنزالفوائد فی حل مشکلات القواعد و تردداته. این شرح را سید عمیدی به خاطر فرزندش سید ابی طالب محمد بعد از وفات علامه حلی بر کتاب قواعد الاحکام حلی نگاشته است و در این گزارش، برخی از گفته‌ها و نظرات فخرالمحققین، پسر حلی را رد کرده است.^۵

ح. مناسخات‌المیراث. این کتاب، تکمله‌ای است بر مبحث مناسخات ارث خواجه نصیرالدین طوسی متوفی ۶۷۳ق که ضمن کتاب الفرائض‌النصیریّه، آمده و چون این بحث کامل نبود، لذا سید عمیدی رساله حاضر را در سال ۷۲۱ق ساخته است.^۶

این رساله در سه صفحه است که در سال ۱۳۱۵ق ضمن مجموعه کلمات‌المحققین چاپ شده است و دیگر بار در سال ۱۳۱۹ق به طبع رسیده است.^۷

کنتوری کتاب دیگری را به سید عمیدی نسبت داده تحت عنوان درة‌الفخر و فریده‌الدهر^۸ که این اشتباه است، چون نام کتاب نیست بلکه صفت سید عمیدی می‌باشد، چنان که شیخ یوسف بحرین گوید: قال ابن معیة عند ذکر روایتة عنه: درة‌الفخر و فریدالدهر مولانا الامام...^۹

گفتیم یکی از آثار سید عمیدی شرحی است که بر کتاب انوارالملکوت... استادش علامه حلی نگاشته، این شرح به منزله محاکمات مابین ابن نوبخت و علامه حلی است که به همین نام یعنی شرح انوارالملکوت... و یا شرح‌الشرح... به شرح زیر آمده:

۳. شرح انوارالملکوت فی شرح الیاقوت = شرح الشرح یاقوت. از همین سید عمیدی می‌باشد و نام این گزارش به همین نحو که مذکور افتاد در فهرسی که نزد نگارنده این سطور موجود است ضبط گردیده، در مهرماه سال ۱۴۱۵ق، یکی از دانشجویان به نام آقای ابراهیم حاج محمدی فریمانی که گویا با شهید مطهری هم خویشاوندی دارند، به این جانب مراجعه کرد تا موضوعی برای پایان‌نامه‌اش در مقطع کارشناسی ارشد معرفی کنم و چون خود اظهار داشت که مایل است موضوع جالب و تازه‌ای باشد تا کار کند و از دشواری آن هراسی ندارد، لذا این شرح عمیدی را بر انوار ملکوت به ایشان پیشنهاد کردم و گفتم که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه خیرالتخان مشهد موجود است. نامبرده پس از پیگیری‌های زیاد به این نسخه دست نیافت، لذا به کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی مراجعه کرده و در این کتابخانه با نسخه‌ای روبرو شد که همین کتاب بود لکن در داخل نسخه نام اشراق‌اللاهوت فی شرح انوارالملکوت نیامده است.

ایشان هم این کتاب را تحقیق و تصحیح کرد و

۱. ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، تألیف میرزاعبدالله افندی اصفهانی، قم، ۱۴۰۱ق، ۲۶۱/۳.
۲. الذریعه، ۹۹/۷.
۳. امل‌الأمل، ۱۶۵/۲.
۴. الذریعه، ۱۴۹/۱۶ و ۱۵۰.
۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد، محمود فاضل، مشهد، کتابخانه گوهرشاد، ۱۳۶۳ش، ۱۶۵/۱.
۶. هدیه‌الاحباب فی ذکر‌المعروفین بالکنی واللقاب والانساب، تألیف محدث قمی، عباس بن محمد رضا، نجف، ۱۳۴۹ق، ۲۰۴.
۷. روضات‌الجنات، ۲۶۷/۴.
۸. فهرست گوهرشاد، ۱۵۳۱/۳.
۹. کشف‌الحجب و الاستار عن اسماء‌الکتاب و الاسفار، تألیف سید اعجاز حسین نیشابوری کنتوری، م: ۱۲۸۶ق، قم، مرعشی، ۱۴۰۹ق، ۲۱۰.
۱۰. لؤلؤة‌البحرین فی الاجازة لفتوی‌العین: تألیف شیخ یوسف بن احمد بحرینی درازی، م: ۱۱۸۶ق، سنگی، بمبئی، ۱۹۱.



الی قوله: فی کتاب المناهج. اقول: اعلم ان الناس قد اختلفوا فی ماهیة النظر...»

این نسخه منحصر، با اختصارش، دارای محتوایی پرارزش و مباحثی نفیس و کثیرالعلم است، و حاوی امهات مباحث کلامی و در عین حال کوتاه اما به گونه‌ای که موجب ایصال الی المطلوب است، نه به صورت ایجازی که مخل به معنا باشد و ضمناً مبتنی بر استدلال‌ها و قواعد کلی و عقلی، به صورتی محکم و استوار. می‌توان گفت که همین وصف، آن را عدیم‌النظیر ساخته است.

با توجه به آنچه در آغاز این نسخه آمده و با عنایت به تاریخ تحریر این نسخه که در پایان مذکور افتاده: — تم کتاب المبارک بحسن توفیق الله تعالی و منة و لطفة لخمس یقین من ذی الحجة سنة سبعین و سبعمائیه... که این تاریخ، شانزده سال پس از فوت سید عمیدی نگاشته شده است — اگر مؤلف این کتاب منحصر به فرد، سید عمیدی یعنی شارح انوارالملکوت نباشد به ظن قوی باید یکی از شاگردان وی بوده باشد که فرصت بیشتری را برای اثبات این مدعا می‌طلبد.

به منظور آشنایی بیشتر به این میراث شیعی، فهرست مطالب این کتاب از نظر می‌گذرد.

کتاب شامل پانزده مقصد است:

مقصد اول: از نظر و مسائل مربوط به آن؛ مقصد دوم: در جواهر و اعراض و اجسام؛ مقصد سوم: در احکام جواهر و اعراض؛ مقصد چهارم: در ذکر موجودات؛ مقصد پنجم: در اثبات صانع و توحید صانع و احکام صفت صانع؛ مقصد ششم: کلیه صفات الهی مستند به وجوب اوست؛ مقصد هفتم: عدل الهی است؛ مقصد هشتم: آلام و اعراض؛ مقصد نهم: در افعال قلوب و امثال آن؛ مقصد دهم: در تکلیف است؛ مقصد یازدهم: در الطاف است؛ چهار نکته در باب توحید؛ مقصد دوازدهم: در بیان پاسخ اعتراضات مخالفین در باب توحید و عدل؛ مقصد سیزدهم: در وعد و وعید؛ مقصد چهاردهم: در نبوات است؛ مقصد پانزدهم: در امامت.

۱. الاصل الآمل، ۴۱/۱.

۲. التراث العربی فی خزانه مخطوطات مکتبه آیت الله مرعشی، تألیف سید احمد حسینی، قم، مرعشی، ۱۴۱۴ق، ۱۷۵/۱.

۳. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تألیف علامه مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (م: ۱۱۱۰ق)، سنگی، تهران، ۱۳۰۱ق، ۱۷۳/۲۶.

تعالیقی بر آن افزود و مورد قبول قرار گرفته و تایپ و تکثیر هم کرده به مقدار لازم که یک نسخه آن در دفتر کمیته ارزشیابی حوزه، مستقر در دانشگاه علوم اسلامی رضوی، و یک نسخه دیگر آن در کتابخانه شخصی این جانب موجود است، حدود هشت سال بعد، یعنی در سال ۱۳۸۱ش، همین شرح عمیدی بر انوارالملکوت به نام اشراق‌اللاهوت... چاپ گردید و محقق این نسخه، آقای علی اکبر ضیائی، نیز مأخذ این نام را متذکر نشده‌اند.

۴. ارجوزة فی شرح الیاقوت. سروده شیخ شهاب‌الدین اسماعیل بن شیخ شرف‌الدین ابی‌عبدالله حسین عودی عاملی جزینی، از ادبا و فضلا و شعرای جبل عامل بوده که کتاب یاقوت در علم کلام را شرح کرده است^۱ در ۳۲۶ بیت، شامل اصول عقاید مورد نیاز عامه مکلفین. برخی از محققین ابیات حاضر را از شرح یاقوت نمی‌دانند، نسخه‌ای از این ارجوزه به شماره ۲۷۵۴ م به خط محمد بن زین‌العابدین موسوی مورخ ۲۸۳ق در کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی در قم موجود است.^۲



این مطالب بخشی از تحقیقات پیرامون کتاب الیاقوت می‌باشد. علامه مجلسی می‌فرماید: یکی دیگر از فضلاء امامیه از شرح یاقوت، منتخباتی ترتیب داده است.^۳

۵. مختصر کتاب اشراق‌اللاهوت. یکی از کهن‌ترین و معتبرترین متون کلامی شیعه، نسخه‌ای است که حدود ۶۶۰ سال است گرد غربت بر چهره دارد و تاکنون ناشناخته مانده است، همین اثر نفیس و عدیم‌النظیر می‌باشد به نام مختصر شرح انوارالملکوت فی شرح الیاقوت یا مختصر شرح الشرح یاقوت و یا مختصر اشراق‌اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت. چنان که مؤلف گوید: «بسملة الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. اختصرت هذا من شرح الشرح الیاقوت. قال: ای الشارح بعد الخطبة، وقد رتب هذا الكتاب علی مقاصد، المقصد الاول فی النظر